

پژوهشی در تراث رضوی علیه السلام بر مبنای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی -
سیدمصطفی مطهری، رضا یاری
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال دهم، شماره ۴۰ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۰ - ۳۹

پژوهشی در تراث رضوی علیه السلام بر مبنای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی

* سیدمصطفی مطهری

** رضا یاری

چکیده: این گفتار، مروری است بر میراث مكتوب بازمانده از ۹۴ تن روایان امام رضا علیه السلام که به تفصیل انواع نوشته‌ها معرفی شده است. که نوشته‌اند. نمونه یک نسخه کتاب المسائل از حسین بن مهران، و نسخه عبدالله بن محمد تمیمی رازی در پی آمده است. مبنای اصلی مقاله، دو کتاب رجال نجاشی و الفهرست شیخ طوسی است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا علیه السلام - میراث مكتوب / روایان امام رضا علیه السلام - آثار / المسائل حسین بن مهران (کتاب) / نسخه عبدالله بن محمد تمیمی رازی (کتاب) / رجال نجاشی (کتاب) / فهرست طوسی (کتاب).

*. پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث.

**. پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث (دارالحدیث). Reza_yari_57@yahoo.com

پژوهش درباره تراث (میراث فرهنگی و معنوی) روایی شیعه می‌تواند نتایج پژوهیده‌ای را در معرفی و شناخت عمیق‌تر از معارف امامیه رقم بزند. در میان این تراث علمی، آثار مکتوب انتقال یافته از امام رضا علیه السلام ویژگی‌های برجسته‌ای دارد که پژوهش‌های جدیدی را ضروری می‌نماید.

علاوه بر انتقال تراث منقول از آن امام همام در قالب‌های گوناگون، مجموعه‌های انتقال یافته، به لحاظ کمی نیز، از ضابطه‌مندی بیشتری در نشر برخوردار هستند. در این راستا باید به نقش برجسته و ممتاز دو عالم بزرگ شیعی، ثقة‌الاسلام کلینی و شیخ صدقوق در بهره‌گیری و انتقال حداکثری این میراث توجه نمود. همچنین دقت‌های کم نظیر مرحوم نجاشی و شیخ طوسی در ارائه گزارش‌های روشن و دقیق از مجموعه تراث علمی شیعه خصوصاً این تراث، علاوه بر کاستن از دشواری‌های عرصه بازسازی تراث، به شناخت جامع‌تری از آثار امام رضا علیه السلام کمک کرده است.

نوشته حاضر توضیحات کوتاهی درباره یکی از همین گروه فعالیت‌های مرکز در عرصه بازخوانی تراث منقول از امام رضا علیه السلام است که بر اساس دو کتاب فهرستی پیش گفته در حال تکمیل است. این تلاش دو محور اصلی دارد:

محور نخست عهده دار معرفی صاحبان تراث رضوی و انواع قالب‌های اولیه این آثار شامل کتاب، مکاتبه، نسخه، رساله، مسنده، نسخه است.

محور دوم به ارائه آگاهی‌هایی از قبیل شخصیت شناسی صاحب اثر، طرق به اثر یا آثار و نیز بازشناسی این آثار در قالب‌های ذکر شده می‌پردازد.

آنچه در پی می‌آید، مختصراً از شیوه مورد استفاده در این فعالیت به همراه معرفی صاحبان تراث رضوی و انواع قالب‌های اولیه این آثار است که دو نمونه از آن - شامل دو نوشته با قالب‌های مسائل و نسخه - نیز ارائه شده‌اند.

۱. شیوه کار

کلیات شیوه مورد استفاده در این فعالیت چنین بوده است:

- ۱-۱. تهیه فهرستی از تراث رضوی، بر اساس داده‌های دو عالم و فهرست نگار بزرگ شیعه، شیخ طوسی و مرحوم نجاشی:
از آنجا که کتاب فهرستی مرحوم نجاشی نسبت به گزارش‌های شیخ، حاوی گزارش‌های کاملتری درباره تراث رضوی به لحاظ کمی و کیفی است، به عنوان محور اصلی ارجاعات قرار گرفته و گزارش‌های شیخ طوسی به عنوان تکمله آن بیان شده است. به عبارت دیگر آنجا که مرحوم نجاشی متذکر اثری منقول از امام رضا علیه السلام نشده، از گزارش شیخ استفاده شده است. بنابراین در این مرحله، این دیدگاه که نجاشی کتاب خود را ناظر به فهرست شیخ نوشته، چندان مورد لحاظ واقع نشده است، زیرا هدف اطلاع یافتن از همه گزارش‌های مربوط بوده است.
- ۱-۲. بررسی‌هایی درباره روایات رضوی مصنفانی که گزارشی از آثار آنان در دو کتاب فهرستی نجاشی یا شیخ طوسی ارائه شده است.
این بررسی در دو بخش انجام شده است:
بخش نخست در مورد گروهی از اصحاب امام رضا علیه السلام است که نجاشی یا شیخ طوسی برای آنان کتاب/کتب ذکر کرده‌اند، اما آن را مستقیماً به امام رضا علیه السلام منسوب نکرده‌اند. در این بخش بررسی‌های محدودی - بر اساس کتب اربعه و وسائل الشیعه صورت گرفته است تا برخی موارد مانند ارزیابی انتقال تراث ایشان به این کتب مشهوره مشخص، و زوایای این دست گزارشها روشن تر شود.

بخش دوم درباره گروهی از اصحاب امام رضا علیهم السلام است که نجاشی یا شیخ طوسی برای آنان کتاب/کتب ذکر کرده‌اند و آن را مستقیماً به امام رضا علیهم السلام منسوب کرده‌اند. در این مرحله ابتدا همانند مرحله پیشین عمل شده است. این بخش هدف اصلی کار بوده است، لذا گردآوری مجموعه روایات مربوط به قالب‌های مختلف ترااث رضوی با لحاظ پیشینه این گروه تلاش‌ها و توجه به مواردی همانند جمیع‌آوری، یکسان‌سازی و گزینش انجام شده است.

۱-۳. در مرحله بعد توضیحاتی درباره شخصیت شناسی صاحب اثر، بررسی گزارشها از نحوه انتساب اثر یا آثار و طرق به آن در صورت نیاز، و به تناسب موارد، بر اساس دو کتاب فهرستی نجاشی یا شیخ طوسی و نیز مجامع روایی صورت پذیرفته است.

۲. معرفی گونه‌های ترااث امام رضا علیهم السلام

بی‌تر دید تلاش اصحاب امامیه در بهره‌گیری از علم عالم اهل بیت علیهم السلام چه در شرایط پیچیده پس از شهادت امام کاظم علیهم السلام و چه پس از آن و در دوران هجرت امام از مدینه به مرور، امری پر واضح است^۱. همچنین روند گسترش شهرهای شیعی و بسط ید آن امام، خصوصاً در دوران مأمون عباسی تاثیر بسزائی در نشر معارف امامیه داشته است.

به همین جهت، تلاش فزاینده عالمان و اصحاب امامیه در بهره‌مندی از دانش آن حضرت، سبب پدید آمدن قالب‌های گوناگون و متنوع میراث روایی امام رضا علیهم السلام شد که به جرات می‌توان گفت در میان همه اهل بیت علیهم السلام تنوع قالبی و دقت بیشتری در سطح انتقال دارد.

۱. نمونه‌ای از اوج این بهره‌گیری را می‌توان در جریان نقل روایت سلسلة الذهب مشاهده نمود. تعداد گزارشگران از جریان ورود امام رضا علیهم السلام به نیشابور در منابع اهل سنت، ده هزار نفر (خنجی اصفهانی، بی‌تا: ۳۴۵)، بیست هزار نفر (ابن صباغ مالکی، ۱۴۰۹: ۲۴۳؛ ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷: ۳؛ ۵۹۵؛ سمهودی، ۱۴۰۷: ۳۴۴)، سی هزار نفر (خنجی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۲۹) گزارش شده، و البته روایت بیست هزار مشهور است.

البته ممکن است عناوین و الفاظ بکار رفته در گزارش‌های کتب فهرستی درباره این تنوع قالب‌ها، به لحاظ تعریف علمی همپوشانی داشته باشد، ولی برای رعایت امانت در نحوه گزارش این گروه کتب، همان عناوین و الفاظ را در مسیر مطالعات به کار گرفتیم.

۱-۲. کتاب^۱

بیشترین عنوان به کار رفته در مجموع گزارش‌ها، به واژه «کتاب» اختصاص دارد که خود شامل دو گونه می‌شود:

الف: کتاب‌هایی که به جهت کیفیت انتساب به راوی و امام، به روشنی در بردارنده کلام امام رضا^{علیه السلام} است. برای نمونه می‌توان به کتاب داود بن سلیمان اشاره نمود که نجاشی در ترجمه‌وی چنین آورده است: «له کتاب عن الرضا^{علیه السلام}».^۲

ب: کتاب‌هایی که به احتمال زیاد حاوی روایاتی از چند امام از جمله امام رضا^{علیه السلام} می‌باشد. این احتمال، از آنجا ناشی می‌شود که مصیف، در شمار راویان از امام رضا^{علیه السلام} یاد شده، اما کتاب او همانند قسم اول به صورت مستقیم به امام نسبت داده نشده است. برای نمونه نجاشی در ترجمه «ابراهیم ابی الكرام» و «ابراهیم بن ابی محمود» آورده است: «روی عن الرضا^{علیه السلام}، له کتاب».^۳ در این موارد بر اساس جستجوهای انجام شده می‌فهمیم که راوی/ مصنف دارای روایاتی با سند واحد از امام رضا^{علیه السلام} و از امام دیگر

۱. در تعریف این کلمه، گفتمندان: ان الكتاب مستعمل في كلمات الرجالين في معناه المتعارف، و هو اعم مطلقاً من الأصل و النواذر(فوائد الوحيد، ص ۳۲). يطلق على الأصل كثيراً، و ربما يطلق في مقابل الأصل، و ربما يطلق على النواذر في مقابل الكتاب(فوائد الوحيد، ص ۳۲-۳۲). قيل: الكتاب ما كان فيه كلام المعصوم و كلام صنفه ايضاً(فوائد الوحيد، ص ۳۳). قيل: الكتاب ما كان مبوباً و مفضلاً(فوائد الوحيد، ص ۳۴). ان الكتاب اعم من الأصل(عده الرجال، ج ۱، ص ۹۵؛ نهاية الدرایه، ص ۵۲۹). الكتاب اعم مطلقاً من الأصل و النواذر، بل الجميع حتى التصنيف والتاليف في العرف المتأخر، و ان كان احياناً يطلق بعضها على بعض، اما للمناسبة او بناء على خلاف الاصطلاح المتجدد (توضیح المقال، ص ۲۲۵؛ مقباس الهدایه، ج ۳، ص ۳۲-۳۳). به نقل از كتاب معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص ۱۲۵-۱۲۶.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۶۱، ر ۴۲۶.

۳. همان، ص ۲۱، ر ۲۹ و ص ۲۵، ر ۴۳.



است که مجموع این روایات بر اساس معیارهای بازیابی متون، کتاب مصنف مورد نظر را سامان می‌دهد. برای نمونه می‌توان به روایت سلیمان بن جعفر بن ابراهیم اشاره کرد.

۲-۲. مسائل^۳ / مکاتبه^۴

اصحاب امامیه پرسش‌های خود را از امامان، گاه به صورت شفاهی و گاه به صورت کتبی پرسیده‌اند. این مسائل، گاه در طول زمان و یا یکجا مطرح شده است. مانند مسائل محمد بن سنان و مسائل احمد بن عمر الحلال. نجاشی، درباره ارتباط این گروه نوشه‌ها با امامان چنین می‌آورد: «له عنه علیهم السلام مسائل». البته ممکن است این نحوه پرسش در مواردی به نحو مکاتبات نیز بوده است، اما به نظر می‌رسد حجم میان مسائل و مکاتبات متفاوت باشد. در نمونه دیگر نجاشی در ترجمه «محمد بن احمد بن عبدالله بن مهران»، مکاتبه‌ای را برای پدر وی در ارتباط با امام رضا علیهم السلام^۵ گزارش کرده است.^۶ البته در ترجمه «احمد بن عبدالله»، تنها از دو کتاب برای وی خبر می‌دهد^۷ که بعد است مکاتبه مذکور یکی از آن دو کتاب باشد.

۱. هی مجموعه مختصہ بمسائلها صاحب‌الكتاب من احد الانتماء في مسائل متفرقة. معجم مصطلحات الرجال والدرایة، ص ۱۵۶.

۲. هو ما حکی كتابة المعصوم سواء كتبه ابتداء لبيان حكم او غيره، او في مقام الجواب. و هل يخصّ بكون الكتابة بخطه الشريف؟ ظاهر بعض العبارات و صريح اخر الاختصاص، و التعميم غير بعيد. لب الباب (ميراث حدیث شیعه، دفتر دوم)، ص ۴۵۵؛ توضیح المقال، ص ۲۲۷؛ مقیاس الهادیة، ج ۱، ص ۲۸۳.

۳. رجال النجاشی، ص ۹۹، ر ۲۴۸ و ص ۳۲۸، ر ۸۸۸.

۴. همان، ص ۳۴۶، ر ۹۳۵.

۵. همان، ص ۳۴۶.

۳-۲. مسند^۱

امام رضا علیه السلام بر اساس ضروریات زمان و مخاطب، گاه در بیان روایت، آن را به استناد خود از پدرانشان از پیامبر ﷺ ختم می‌کردند. در این باره شیخ طوسی، از مسندی از امام رضا علیه السلام در ترجمه «اسماعیل بن علی» نام برد است.^۲

۴-۲. رساله^۳

امامان شیعه گاه بر اساس ضرورت‌های زمانی، نوشه‌هایی را به یکی از اصحاب/ اشخاص در قالب نامه/ رساله ارسال می‌نمودند، همان‌گونه که گاه رساله‌هایی از طرف اصحاب/ اشخاص به ایشان ارسال می‌شده است. نمونه‌ای از این رساله‌ها، نامه‌ای از امام رضا علیه السلام به ابراهیم بن ابی البلاط است که نجاشی آن را چنین می‌آورد: «کان للرضا علیه السلام»،^۴ البته رساله‌ها گاه همپوشانی‌هایی با مسائل/ مکاتبه‌ها دارند.

۵-۲. نسخه^۵

نجاشی از گروهی مکتوبات با عنوان نسخه یاد کرده است که به احتمال، مراد وی، تمیز میان آثار یک مولف و یا نسخه‌های یک مجموعه نقل شده از یک مصنف

۱. هو الحديث الذى اتصل سنه مرفوعا من راويه الى منتهاء الى المعصوم، و اكثر ما يستعمل فى ما جاء عن النبي. ويقال له: «المتصل» و «الموصول» ايضاً الرعاية فى علم الدرایة، ص ۹۶؛ وصول الاختيار، ص ۱۰۰؛ الرواى السماوية، ص ۱۲۷؛ جامع المقال، ص ۴؛ توضيح المقال، ص ۲۷۲؛ نهاية الدرایة، ص ۱۸۶؛ مقباس الهدایة، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. الفهرست، ص ۳۲، ر ۳۷.

۳. هي المراسلات التي جرت بين الأصحاب والائمة، و حفظت و دونت حول مسألة واحدة غالبا، او موضوع معين. الرسالة من قبلهم تقصى بعدلة الرجل و ثاقته (تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۱۰). الرسالة من قبلهم علیه السلام ليست بدليل على حسن (قاموس الرجال، ج ۱، ص ۷۰). به نقل از معجم الرجال ص ۶۸.

۴. نجاشی، ص ۲۲، ر ۳۲.

۵. هي عنوان عام لبعض رسائل صغيرة من مؤلفات القرون الأولى، تحتوى على مسائل و احكام عملية دينية، فهي من مصادر التشريع، وهي كالأصول الأربعمة، يرويها الراوى لها عن مصنفه مع الواسطه، فيعبر عنها بنسخة فلان عن فلان ... فجعل النسخه اسم لكتاب جمع فيه احكام تأسيسيه وضعها الامام و املأه على الراوارى، في قبال الاصل الذى هو كتاب جمع فيه احكام امضانية، نقلاً الراوى (وهو المصنف للاصل او الراوى عن آبائه) ثم عرضها على الامام، و اخذ تأييده لها (الذریعه، ج ۲۴، ص ۱۴۸). ان نسخه قريبة من الاصل فيكونها مروية (الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۱۸). به نقل از معجم مصطلحات الرجال و الدرایة، ص ۱۸۳.



بوده است. یکی از بارزترین نمونه‌های این مطلب را می‌توان در ترجمه «احمد بن عامر بن سلیمان» مشاهده نمود.^۱

۳. فهرست ترااث رضوی

هر چند تعداد راویان از امام رضا علیه السلام بیش از تعداد کسانی است که گزارش آثار آنها ارائه شده است، با این همه می‌توان از فهرست زیر - که بر اساس دو فهرست مرحوم نجاشی و شیخ طوسی فراهم شده است - به عنوان مجموعه گزارش شده از آثار روایی منسوب به امام رضا علیه السلام یاد نمود.

در جدول زیر، عنوان صاحب اثر (به ترتیب الفبای افراد)، ارجاع به کتاب فهرستی مرحوم نجاشی و یا الفهرست مرحوم شیخ طوسی = «ست» و بیان قالب اثر ارائه شده است. همچنین کتاب، مشتمل بر روایات، مواردی است که فهرستین به نقل روایت راوی از امام رضا علیه السلام تصريح یا اشاره کرده‌اند و برای آن راوی نگاشته‌ای را بصورت مستقیم به امام منتب نکرده‌اند. در این موارد، از تعبیر «کتاب مشتمل بر روایات» و با رمز «**» استفاده شده است که می‌رساند نقل روایت از امام رضا علیه السلام منحصر به نقل آن کتاب توسط آن راوی نیست.

۱. رجال النجاشی، ص ۱۰۰، رقم ۲۵۰.

صاحب اثر	شماره صفحه در رجال نجاشی ^۱	قالب نگاشته بر اساس فهرستین
۱. إبراهيم بن أبي البلاد	۲۲	رساله
۲. إبراهيم بن أبي الكرام	۲۱	كتاب مشتمل بر روایات
۳. إبراهيم بن أبي محمود	۲۵	*
۴. إبراهيم بن بشر	۲۳	مسائل
۵. إبراهيم بن هاشم أبو إسحاق	۱۱ ست	*
۶. أحمد بن الحسن بن إسماعيل	۷۴	*
۷. أحمد بن عامر بن سليمان	۲۲۹ و ۱۰۰	نسخه
۸. أحمد بن عبدالله بن مهران	۳۴۶	مکاتبه
۹. أحمد بن عمر الحال	۹۹	مسائل
۱۰. أحمد بن عمر بن أبي شعبه	۹۸	*
۱۱. أحمد بن محمد بن عمرو	۷۵	كتاب ^۲
۱۲. إدريس بن عبد الله بن سعد	۱۰۴	*
۱۳. إسحاق بن آدم بن عبد الله	۷۳	*
۱۴. إسماعيل بن علي (بن علي)	۳۳ ست	مستند
۱۵. إسماعيل بن مهران بن أبي نصر	۲۷	*
۱۶. إسماعيل بن همام بن عبد الرحمن	۳۰	*
۱۷. الحسن بن الجهم بن بكير	۵۰	*
۱۸. الحسن بن علي بن زياد	۴۰	مسائل
۱۹. الحسين بن سعيد بن حماد	۱۵۰ ست	*
۲۰. الفضل بن شاذان بن الخليل	۳۰۷	[كتاب] العلل و *
۲۱. جعفر بن بشير البجلي	۱۱۰ ست	كتاب

۱. شماره‌های صفحات ، مطابق با کتاب رجال نجاشی است که به عنوان محور بحث قرار داده شده است. در صورتی که عنوان مذکور تنها بر گرفته از فهرست شیخ طوسی باشد در همانجا با تعبیر «ست» به همراه شماره صفحه آن، از این مصدر یاد می‌شود.

۲. عنوان «كتاب» بر اساس انتساب مستقیم کتاب آن راوی به امام رضا^{علیه السلام} می‌باشد.

*	١٤١	حبيب بن المعلل الخثعمي	.٢٢
كتاب يانسخه	٢٥٨٣٦	الحسن بن على بن فضال	.٢٣
*	١٢٣	الحسن بن محجوب السراد	.٢٤
نسخه و *	٥١	الحسن بن محمد بن الفضل	.٢٥
[كتاب] مجالس وكتاب	٣٨	الحسن بن محمد بن سهل التوفلي	.٢٦
[كتاب] مجالس	٥٦	الحسين بن محمد بن الفضل	.٢٧
مسائل	٥٦	الحسين بن مهران بن محمد	.٢٨
*	١٣٨	حمدان بن المعافى أبو جعفر	.٢٩
*	١٤١	حمزة بن يعلى الأشعري	.٣٠
*	١٦٢	دارم بن قبيصة بن نهشل	.٣١
مسائل	١٨٢	داود بن القاسم الجعفري	.٣٢
كتاب	١٦١	داود بن سليمان بن جعفر	.٣٣
*	١٦٠	داود بن على اليعقوبي	.٣٤
*	١٥٦	داود بن كثير الرقى	.٣٥
*	١٦٥	الريان بن الصلت	.٣٦
*	١٧٣	زكريا بن إدريس بن عبد الله	.٣٧
مسائل و *	١٧٤	زكريا بن آدم بن عبد الله	.٣٨
*	١٧١	زياد بن مروان أبو الفضل	.٣٩
مسائل و *	١٧٩	سعد بن سعد بن الأحوص	.٤٠
مسائل	٢١٦ ست	سعد خادم أبي دلف	.٤١
*	١٩٢	سعید بن جناح	.٤٢
*	١٨٢	سعید بن جناح الأزدي	.٤٣
*	١٨٣	سليمان بن جعفر بن إبراهيم	.٤٤
مسائل	٢٠٢	صباح بن نصر الهندي	.٤٥
*	١٩٨	صفوان بن يحيى ابو محمد	.٤٦
نسخه	٢٨٢	العباس بن هلال الشامي	.٤٧
*	٢٣٦	عبد الرحمن بن أبي نجران	.٤٨

.٤٩	عبد السلام بن صالح	٢٤٥	كتاب
.٥٠	عبد العزيز بن المهدى	٢٤٥	*
.٥١	عبد العزيز بن يحيى	٢٤٤	كتاب
.٥٢	عبد الله بن الصلت أبو طالب	٢١٧	*
.٥٣	عبد الله بن سعيد بن حيان	٢١٧	كتاب
.٥٤	عبد الله بن علي بن الحسين	٢٢٧	نسخه
.٥٥	عبد الله بن محمد بن حسين	٢٢٧	مسائل
.٥٦	عبد الله بن محمد بن علي	٢٢٨	نسخه
.٥٧	عثمان بن عيسى أبو عمرو	٣٠٠	كتاب
.٥٨	على بن أسباط بن سالم	٢٥٣	*
.٥٩	على بن الحسن بن رياط	٢٥١	*
.٦٠	على بن النعمان الأعلم	٢٧٤	*
.٦١	على بن سيف بن عميرة النخعى	٢٧٨	*
.٦٢	على بن على بن رزين	٢٧٧	كتاب
.٦٣	على بن مهدي بن صدقة	٢٧٨	كتاب
.٦٤	على بن مهزيار الأهوazi	٢٥٤	*
.٦٥	عمرو بن سعيد المدائى	٢٨٧	*
.٦٦	الفتح بن يزيد الجرجانى ^١	٣١١	مسائل
.٦٧	كلثوم بنت سليم	٣١٩	كتاب
.٦٨	محمد بن أبي عمير زياد	٣٢٧	*
.٦٩	محمد بن الحسن بن زياد	٣٦٣	*
.٧٠	محمد بن القاسم بن الفضيل	٣٦٢	*
.٧١	محمد بن جمهور أبو عبدالله	٣٣٧	رساله و *
.٧٢	محمد بن سنان أبو جعفر	٣٢٨	مسائل
.٧٣	محمد بن سهل بن اليسع	٣٦٨	مسائل
.٧٤	محمد بن صدقة العنبرى	٣٦٤	*

١. در اصل پژوهش به نحوه گزارش نجاشی و شیخ درباره او توجه شده است.



۷۵	محمد بن عبد الله بن عمرو	۳۶۶	نسخه
۷۶	محمد بن علي بن الحسين	۳۶۶	نسخه
۷۷	محمد بن عمرو بن سعيد	۳۶۹	نسخه
۷۸	محمد بن عيسى بن عبد الله	۳۳۸	*
۷۹	محمد بن فضيل بن كثير	۳۶۷	مسائل
۸۰	مرزبان بن عمران	۴۲۳	*
۸۱	معاوية بن حكيم بن معاویه	۴۱۲	*
۸۲	معاوية بن سعيد	۴۱۱	مسائل
۸۳	معمر بن خلاد	۴۱۲	*
۸۴	مقاتل بن مقاتل البلخي	۴۲۴	كتاب
۸۵	موسى بن سلمة	۴۰۹	كتاب
۸۶	نصر بن قابوس اللخمي	۴۲۷	كتاب
۸۷	وريزه بن محمد الغساني	۴۳۲	كتاب
۸۸	هارون بن عمر بن عبدالعزيز	۴۳۹	*
۸۹	هاشم بن إبراهيم العباسى	۴۳۶	كتاب
۹۰	الهيثم (هيثم) بن عبد الله	۴۳۶	كتاب
۹۱	يحيى بن الحسن بن جعفر	۴۴۲	*
۹۲	ياسر الخادم	۵۱۵	مسائل
۹۳	يونس بن عبد الرحمن	۴۴۷	*
۹۴	يونس بن يعقوب بن قيس	۴۴۶	*

۴- نمونه‌های تطبیقی

۴-۱. گزارشی در قالب المسائل

- الحسين بن مهران ابو عبد الله^۱

۱. ابن غضائی، ۵۱.

از وی با تعبیر «ابن‌ابی‌نصرالسکونی»^۱ نیز یاد شده است. در حالی که برقی و ابن-غضائیری وی را از جمله اصحاب امام کاظم علیهم السلام ذکر کردند^۲، شیخ طوسی در رجال، او را از اصحاب امام رضا علیهم السلام یاد می‌کند^۳ و کشی نیز به تفصیل به گزارشی از وی و ارتباط او با امام رضا علیهم السلام پرداخته است.^۴ نجاشی، اما با جمع میان این دو رأی، او را از اصحاب هر دو امام برشمرده است.^۵

آنچه درباره اعتقادات وی در کتب رجالی گزارش شده، حاکی از تردیدها و شباهاتی است که وی درباره امامت امام رضا علیهم السلام داشته است به نحوی که وی را در ردیف معتقدان به جریان واقفه قرار داده است. هر چند به روشنی از سرانجام این اعتقاد وی اطلاعی در دست نیست. با این همه دو گزارش از کشی درباره وی قابل ملاحظه است. نخست گزارشی از مجلس محمد بن الفضیل با امام رضا علیهم السلام است که امام رضا علیهم السلام خطاب به "الحسین بن مهران" فرموده‌اند: «اذهب الله نور قلبك و ادخل الفقر بيتك».^۶ دوم گزارش مکاتبه‌ای از ابن مهران به امام در جهت حل شباهات و مسائلی درباره موضوع واقفه است که امام پاسخ پرسش‌های وی را برای او ارسال می‌کند. امام به الحسین بن مهران دستور عدم کتمان می‌دهد، لذا برای اطلاع یافتن اصحاب از محتوای آن، استنساخ شده است.^۷

تقدیم و تاخر این دو گزارش چندان روشن نیست. با این همه گزارشی از حضور سران واقفه - از جمله ابن مهران - در ابتدای امامت امام رضا علیهم السلام در نزد ایشان،

۱. رجال النجاشی، ۵۶.

۲. برقی، ۵۱؛ ابن غضائیری، ۵۱.

۳. رجال الطوسي، ۳۵۵.

۴. رجال کشی، ص ۵۹۹، رقم ۱۱۲۱.

۵. رجال النجاشی، ۵۶.

۶. رجال کشی، ۴۰۶.

۷. همان، ۵۹۹.



می‌تواند گواهی بر تاخر دعای امام باشد^۱. ابن غضائری با تعبیر «واقف ضعیف» از وی یاد می‌کند.^۲ شیخ در طریق خود به کتاب وی، از فهرست حمید بن زیاد بهره جسته است.^۳ از دیگر سو در کتب روایی شیعه تنها یک روایت از وی به نقل از امام رضا علیه السلام^۴ گزارش شده است که صفوان بن یحیی ناقل آن بوده است. در این روایت، دو سؤال فقهی ابن مهران از امام رضا علیه السلام^۵ به همراه جواب آن آمده است.^۶

کم شمار بودن نقل از وی، خود می‌تواند گواهی بر دقت عالمان امامیه در دوره‌های بعدی در عدم نقل احادیث وی باشد که ممکن است منشاء اعتقادی داشته باشد. با این ملاحظه، می‌توان جانب واقعی بودن را ترجیح داد.^۷

در میان عالمان رجالی و فهرست نگاران متقدم، شیخ طوسی و ابن غضائری، کتابی برای وی برشمرده‌اند، کشی از مکاتبه‌ای از وی با امام یاد کرده است و نجاشی ضمن اشاره به نقل وی از امام کاظم و امام رضا علیه السلام^۸ به وجود نگاشته‌ای با قالب مسائل اشاره می‌کند.^۹

درباره این گزارشها دو احتمال وجود دارد: نخست آنکه وی یک نوشته با دو تعبیر کتاب و المسائل داشته است. در این صورت تک روایت صفوان از وی، به نقل از همان کتاب و یا به تعبیر دیگر المسائل است. دوم تعدد این تعبیر است، بدین معنا که وی دو اثر با قالب‌های کتاب و المسائل داشته است.

البته به علت کمی روایات وی، نمی‌توان قضاؤت درستی از اتحاد یا عدم اتحاد این دو اثر ارائه نمود، اما توجه به دو نکته بسیار مهم است: نخست این احتمال است که

۱. عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲. رجال النجاشی؛ ابن غضائری، همان

۳. الفهرست، ص ۱۴۷

۴. الکافی، ج ۶، ص ۱۵۶.

۵. علامه حلی علاوه بر بهره گیری از کلمات نجاشی و ابن غضائری، از تعبیرات قلیل المعرفه بالرضا و ضعیف الیقین استفاده کرده است. الخلاصه، ص ۲۱۶.

۶. منابع پیشین.



مراد از مسائل مجموعه روایاتی باشد که صفوان نمونه‌ای از آن را با عنوان مسائل الحسین بن مهران یاد کرده است و نامه ذکر شده توسط کشی، همان کتابی است که شیخ نام برده است. دوم آنکه در هر دو گزارش نجاشی و شیخ، طریق نقل به عبیدالله بن احمد بن نهیک ختم می‌شود.

از این رو، و با توجه به تأخر نجاشی و دقّت وی، می‌توان حکم به اتحاد این کتاب و مسائل نمود. در این صورت مکاتبه نقل شده توسط کشی، همان المسائل به شمار می‌آید. و می‌توان چنین احتمال داد که عنوان مسائل، برگرفته از قسمت پایانی نامه‌ای است که کشی آن را گزارش می‌کند، و امام در آنجا می‌فرماید: فقد اجبتك في مسائل كثيره.^۱

- منابع روایی:

اصول کافی، ج ۶، ص ۱۵۸، ح ۲۰؛ رجال الکشی، ص ۶۰۰، رقم ۱۱۲۱

- متن المسائل:

بر اساس روایت رجال الکشی ص ۶۰۰، رقم ۱۱۲۱

«حملویه قال حدثنا الحسن بن موسى قال حدثنا إسماعيل بن مهران عن أحمد بن محمد قال كتب الحسين بن مهران إلى أبي الحسن الرضا عليه السلام كتاباً قال: فكان يمشي شاكلاً في وقوفه، قال: فكتب إلى أبي الحسن عليه السلام يأمره و ينهاه، فأجايه أبو الحسن عليه السلام بجواب و بعث به إلى أصحابه فنسخوه و رد إليه، ثلاثة يسراه حسين بن مهران. و كذلك كان يفعل إذا سأله عن شيء فأحب ستر الكتاب. و هذه نسخة الكتاب الذي أجايه به:

بسم الله الرحمن الرحيم. عافانا الله و إياك. جاءني كتابك تذكر فيه الرجل الذي عليه الخيانة و العين، تقول أخذته و تذكر ما تلقاني به و تبعث إليّ بغیره، و احتجبت فيه فأكثرت و عبت عليه أمرا و أردت الدخول في مثله، تقول إنه عمل في أمري بعقله و

۱. رجال کشی، ص ۶۰۳.

حياته، نظراً منه لنفسه و إرادة أن تميل إليه قلوب الناس ليكون الأمر بيده و إليه، يعمل فيه برأيه و يزعم أنني طاوعته فيما أشار به علىَّ و هذا أنت تشير علىَّ فيما يستقيم عندك في العقل و الحيلة بعده، لا يستقيم الأمر إلا بأحد أمرين: إما قبلت الأمر على ما كان يكون عليه، و إما أعطيت القوم ما طلبوه و قطعت عليهم، و إلّا فالأمر عندنا معوج، و الناس غير مسلمين ما في أيديهم من مال و ذاهبون به

فالأمر ليس بعقلك و لا بحيلتك يكون، و لا تفعل الذي تج lille بالرأي و المشورة، و لكنَّ الأمر إلى الله عز وجل وحده لا شريك له، يفعل في خلقه ما يشاء. من يهدى الله فلا مضلٌّ له و من يضلله فلا هادي له، و لن تجد له مرشدًا فقلت و أعمل في أمرهم و أحتل فيه، و كيف لك الحيلة؟ و الله يقول: (و أقسموا بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت بلى وعدا عليه حق) [النحل ٣٨] في التوراة و الإنجيل إلى قوله عز وجل (و ليقتروا ما هم مقترون) [الانعام ١١٣].

فلا تجيئهم فيما سألا عنهم استقاموا و سلموا و قد كان مني ما أنكرت و أنكروا من بعدي و مدّ لي لقائي، و ما كان ذلك مني إلا رجاء الإصلاح لقول أمير المؤمنين صلوات الله عليه: اقتربوا اقتربوا، و سلوا و سلوا، فإن العلم يفيض فيضا؛ و جعل يمسح بطنه و يقول: ما مليع طعام و لكن ملأه علم، و الله ما آية نزلت في بَرْ و لا بَحْر و لا سهل و لا جبل إلّا أنا أعلمها و أعلم فيمن نزلت

و قول أبي عبد الله عليه السلام: إلى الله أشكو أهل المدينة إنما أنا فيهم كالشعر أتنقل، يريدونني على أن لا أقول الحق، و الله لا أزال أقول الحق حتى الموت. فلما قلت حقاً أريد به حقن دمائكم، و جمع أمركم على ما كنتم عليه أن يكون سرّكم مكتوناً عندكم غير فاش في غيركم، و قد قال رسول الله صلوات الله عليه وآله وسراً أسرة الله إلى جبريل، و أسرة جبريل إلى محمد، و أسرة محمد إلى عليٍّ صلوات الله عليهما، و أسرة عليٍّ إلى من

شاء

ثم قال: قال أبو جعفر ع: ثم أنتم تحدثون به في الطريق، فأردت حيث مضى صاحبكم أن ألف أمركم عليكم لثلا تضييعوه في غير موضعه، و لا تسأله عنده غير أهله فتكونوا في مسألتكم إياهم هلكتم، فكم دعي إلى نفسه و لم يكن داخله ثم قلت: لا بد إذا كان ذلك منه، يثبت على ذلك و لا يتحول عنه إلى غيره. قلت: لأنّه كان من التّقىة و الكف أوّلاً، و أما إذ تكلم فقد لزمه الجواب فيما يسأل عنه، فصار الذي كنتم تزعمون أنكم تذمّون به، فإنّ الأمر مردود إلى غيركم، و إنّ الفرض عليكم اتباعهم فيه إليكم. فصيّرتم ما استقام في عقولكم و آرائكم، و صحّ به القياس عندكم بذلك لازماً، لما زعمتم من أن لا يصحّ أمرنا زعمتم حتى يكون ذلك على لكم

فإن قلتم إن لم يكن كذلك لصاحبكم فصار الأمر إن وقع إليكم، نبذتم أمر ربكم وراء ظهوركم (فلا أتبع أهواءكم قد ضللت إذا و ما أنا من المهتدين) [الانعام/٤٥] و ما كان بدّ من أن تكونوا كما كان من قبلكم، قد أخبرتم أنها السنن و الأمثال، القدّة بالقدّة، و ما كان يكون ما طلبتم من الكف أوّلاً و من الجواب آخرًا، شفاء لصدركم و لا ذهاب شكوككم. و ما كان بدّ من أن يكون ما قد كان منكم، و لا يذهب عن قلوبكم حتى يُذهبه الله عنكم و لو قدر الناس كلهم على أن يحبّونا و يعرفوا حقنا و يسلّموا لأمرنا، فعلوا. (و لكن الله يفعل ما يشاء و يهدى إليه من أئب) [الرعد/٢٧]

فقد أجبتك في مسائل كثيرة، فانتظر أنت و من أراد المسائل منها و تدبرها. فإن لم يكن في المسائل شفاء، فقد مضى إليكم متى ما فيه حجة و معتبر، و كثرة المسائل معيبة عندنا مكرهه. إنما يريد أصحاب المسائل المحنّة، ليجدوا سبيلاً إلى الشبهة و الضلالّة. و من أراد ليساً ليس الله عليه و وكله إلى نفسه. و لا ترى أنت و أصحابك أنّي أجبت بذلك. و إن شئت صمت، فذاك إلى لا ما تقوله أنت و أصحابك، لا تدرون كذا و كذا، بل لا بدّ من ذلك، إذ نحن منه على يقين، و أنتم منه في شك.»

۴-۲. گزارشی در قالب نسخه

- عبدالله بن محمد بن علی بن عباس

در گزارش مرحوم نجاشی درباره توثیق یا تضعیف وی سخنی گفته نشده، هر چند که بیان مفصل عنوان صاحب اثر - عبدالله بن محمد بن علی بن العباس بن هارون التمیمی الرازی - می‌تواند اشاره‌ای به جایگاه اجتماعی خاندان او داشته باشد. شیخ نیز به ترجمه وی نپرداخته است. مجموعه یکپارچه روایت وی در عيون اخبار الرضا [علیه السلام]^۱ نقل شده است^۲ که طریق به آن همانند نجاشی^۳ است و سایر مصادر - که چند سطر بعد، یاد می‌شود - نیز تنها بر اساس همین طریق، نسخه را نقل کرده‌اند. غالب این مجموعه، روایات نبوی است و در سلسله اسناد، امامان شیعه قرار دارند. در پاره‌ای از روایات، ناقل روایت از پیامبر، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و یا امیرالمؤمنین علیه السلام است.

مرحوم صدقه برای جلوگیری از تکرار اسناد، پس از ذکر یک سند، این مجموعه را با دو عبارت «بهذا الاستناد» و «باستناده» آورده است. شایان ذکر است این مجموعه مشتمل بر روایات کلامی در اثبات امامت، منزلت و مقامات اهل بیت است.

عنوان کامل صاحب نسخه، عبدالله بن محمد بن علی بن العباس بن هارون التمیمی الرازی است^۴ که فرزندش ابومحمد الحسن از وی نقل کرده است، اما در اسناد بصورت معمول، از جد عبدالله یعنی علی نامی برده نشده است. مثلاً چنین آمده است: «الحسن بن عبدالله بن محمد بن العباس».

۱. عيون اخبار الرضا [علیه السلام]، ج ۲، ص ۵۸ - ۶۸، ح ۳۱۴-۲۱۴.

۲. رجال النجاشی، ص ۲۲۸، رقم ۶۰۳.

۳. رجال النجاشی، همان.

نکته دیگر آنکه در طریق مرحوم صدوق در عيون اخبار الرضا^{علیه السلام}، الحسن بن عبدالله بن محمد یعنی فرزند صاحب نسخه این اثر را بدون واسطه از امام نقل کرده است.^۱ اما در خلال بیان این مجموعه، مرحوم صدوق به روایت الحسن بن عبدالله بن محمد از پدرش از امام رضا^{علیه السلام} اشاره می‌کند.^۲

همچنین تمامی گزارش‌های پراکنده در سایر کتب، مانند: دلائل الامامة، کمال الدین، الامالی للصدوق،^۳ الخصال و... در مجموعه گزارش‌های عيون اخبار الرضا^{علیه السلام} یافت می‌شود.

منابع روایی

عيون أخبار الرضا^{علیه السلام}، ج ۲، ص ۵۸ الى ۶۸، ح ۲۱۴ الى ۳۱۴؛ الامالی للصدوق ص ۷۷، ح ۷ و ص ۲۳۶، ح ۱۰ و ص ۳۳۴، ح؛ الخصال ج ۱، ص ۳۱، ح ۱۰۸ و ص ۳۰۳، ح ۸۰؛ کمال الدین ج ۱، ص ۵۸، ح ۲۳۹؛ دلائل الامامة، ص ۴۵۲، ح ۴۲۸؛ کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۲۷.

متن نسخه:

بر اساس عيون أخبار الرضا^{علیه السلام} ج: ۲ ص: ۵۸ الى ۶۴، روایات ۲۱۴ تا ۳۱۴؛
 ۱. حدثنا محمد بن عمر بن محمد بن سلم بن البراء الجعابی قال حدثني أبو محمد الحسن بن عبد الله بن محمد بن العباس الرازی التمیمی قال حدثني سیدی علی بن موسی الرضا^{علیه السلام} قال حدثني أبي موسی بن جعفر قال حدثني أبي محمد بن علی قال حدثني أبي علی بن الحسین قال حدثني أبي الحسین بن علی قال حدثني أبي علی بن أبي طالب^{علیهم السلام} قال: قال رسول الله^{صلی الله علیه و آله و سلم}: من مات و ليس له إمام من ولدی، مات میتة جاهلية و يؤخذ بما عمل فی الجahلیة و الإسلام.^۴

۱. عيون أخبار الرضا^{علیه السلام}، ج ۲، ص ۵۸، ح ۲۱۴؛ کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲. عيون أخبار الرضا^{علیه السلام}، ج ۲، ص ۶۴، ح ۲۷۸.

۳. امالی صدوق، ص ۷۷، ح ۷ و عيون أخبار الرضا^{علیه السلام}، ص ۶۴، ح ۲۵۵.

۴. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: أنا و هذا يعني عليا يوم القيمة كهاتين، و ضم بين إصبعيه، و شيعتنا معنا، و من أعن مظلومنا كذلك.
۳. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: من أحب أن يتمسّك بالعروة الوثقى، فليتمسّك بحب على و أهل بيتي.
۴. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: الأئمة من ولد الحسين علية السلام، من أطاعهم فقد أطاع الله و من عاصهم فقد عصى الله عز وجل. هم العروة الوثقى و هم الوسيلة إلى الله عز وجل.
۵. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ: أنت يا على و ولدك خيرة الله من خلقه.
۶. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: خلقت أنا و على من نور واحد.
۷. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: من أحبنا أهل البيت، حشره الله تعالى آمنا يوم القيمة.
۸. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: لعلك من أحبك كان مع النبيين في درجتهم يوم القيمة، و من مات و هو يبغضك فلا يبالي مات يهوديا أو نصرانيا.
۹. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ في قول الله عز وجل «و قفوهم إنهم مسؤولون»^۱ قال عن ولاية على علية السلام.
۱۰. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ على و فاطمة و الحسن و الحسين علية السلام و العباس بن عبد المطلب و عقيل: أنا حرب لمن حاربكم و سلم لمن سالمكم.
۱۱. و بهذا الإسناد قال: قال على علية السلام قال رسول الله ﷺ: أنت مني و أنا منك.
۱۲. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ: يا على! أنت خير البشر، لا يشك فيك إلا كافر.^۲
۱۳. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ: ما زوجت فاطمة إلا لما أمرني الله بتزويجها.
۱۴. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، و أعن من أعانه و انصر من نصره و اخذل من خذله و اخذل عدوه، و كن له و لولده، و اخلفه فيهم بخير، و بارك لهم فيما تعطيهم، وايدهم بروح القدس، و احفظهم حيث

۱. الخصال ج ۱، ص ۳۱، ح ۱۰۸؛الأمالي للصدوق، ص ۲۳۶، ح ۱۰ و في سنتهما «حدثني أبي».

۲. صفات (۳۷) / ۲۴.

۳. الأمالي للصدوق ص ۷۷، ح ۷ و في سنته «قال حدثني أبي، عبد الله بن محمد بن علي بن العباس بن هارون التميمي»

«التميمي»

توجّهوا من الأرض، و اجعل الإمامة فيهم، و اشكر من أطاعهم، و أهلك من عصاهم، إنك قريب مجيب.

١٥. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: على أول من اتبعني، و هو أول من يصافحني بعد الحق.
١٦. و بهذا الإسناد قال: قال النبي ﷺ: يا على! أنت تبرئ ذمتي و أنت خليفتي على أمتي.
١٧. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: لا تقوم الساعة حتى يقوم قائم للحق منا، و ذلك حين يأذن الله عز و جل له. و من تبعه نجا و من تخلف عنه هلك. الله الله! عباد الله فأتوه و لو على الثلج، فإنه خليفة الله عز و جل و خليفتي^١.
١٨. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ و هو أخذ بيد على [عليه السلام]: من زعم أنه يحبني و لا يحب هذا فقد كذب.
١٩. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: توضع يوم القيمة منابر حول العرش لشيعتي و شيعة أهل بيتي المخلصين في ولاءتنا. و يقول الله عز و جل: هلموا يا عبادي إلى لأنشرن عليكم كرامتي، فقد أوذيتكم في الدنيا.
٢٠. و بإسناده عن على قال: قال رسول الله ﷺ: خلقت يا على! من شجرة خلقت منها؛ أنا أصلها و أنت فرعها، و الحسين و الحسن أغصانها، و محبوها ورقةها. فمن تعلق بشيء منها، أدخله الله عز و جل الجنة.
٢١. و بإسناده عن الحسن بن على عن أبيه عليهما السلام قال: قال رسول الله ﷺ: لا يبغضك من الأنصار، إلا من كان أصله يهوديا.
٢٢. و بإسناده قال: قال على عليه السلام إنه لعهد النبي ﷺ الأمى إلى أنه لا يحبني إلا مؤمن و لا يبغضني إلا منافق.
٢٣. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: لا يحل لأحد يجنب في هذا المسجد، إلا أنا و على و فاطمة و الحسن و الحسين و من كان من أهلي، فإنهم مني^٢.
٢٤. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: لا يرى عورتى غير على إلا كافر.

١. دلائل الإمامة، ص ٤٥٢، ح ٤٢٨ و في سنته «عن أبيه».

٢. الأملاني للصدق، ص ٣٣٤، ح ٥.

٢٥. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: ترد شيعتك يوم القيمة رواه غير عطاش، و يرد عدوك عطاشاً يستسقون فلا يُسقون.
٢٦. و ياسناده قال: قال النبي ﷺ: بعض على كفر، وبعض بنى هاشم نفاق.
٢٧. و ياسناده قال: قال على عليه السلام دعا لى النبي ﷺ فقال: اللهم اهد قلبه و اشرح صدره و ثبت لسانه، و قه الحر و البرد.
٢٨. و ياسناده قال: قال على عليه السلام: أمرت بقتل الناكثين و القاسطين و المارقين.
٢٩. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: تعودوا بالله من حب الحزن.
٣٠. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: لا يؤدّي عنِّي إلّا على، و لا يقضى عداتي إلّا على.
٣١. و ياسناده عن على عليه السلام عن النبي ﷺ أنه قال لبني هاشم: أنتم المستضعفون بعدي.
٣٢. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: خير مال المرأة و ذخائره الصدقة.
٣٣. و ياسناده عن النبي ﷺ قال: عفوت لكم عن صدقة الخيل و الرقيق.
٣٤. و ياسناده عن النبي ﷺ أنه قال: خير إخوانى على، و خير أعمامى حمزة و العباس صنو أبي.
٣٥. و ياسناده عن على عن النبي ﷺ قال: الاثنان و ما فوقهما جماعة.
٣٦. و ياسناده عن على عن النبي ﷺ قال: المؤذنون أطول الناس أعناقاً يوم القيمة.
٣٧. و ياسناده عن على عن النبي ﷺ أنه قال: المؤمن ينظر بنور الله.
٣٨. و ياسناده عن على عن النبي ﷺ قال: باكروا بالصدقة، فمن باكر بها لم يتخطأ الدعاء.
٣٩. و ياسناده قال النبي ﷺ: الحسن و الحسين خير أهل الأرض بعدي و بعد أبيهما و أمهما أفضل نساء أهل الأرض.
٤٠. و ياسناده عن النبي ﷺ قال: خير نساء ركب恩 الإبل، نساء قريش أحنانه على زوج.
٤١. و ياسناده عن النبي ﷺ قال: من جاءكم ي يريد أن يفرق الجماعة و يغضب الأمة أمرها و يتولى من غير مشورة فاقلوه، فإن الله عز وجل قد أدن ذلك.

٤٢. و ياسناده عن رسول الله ﷺ قال: نزلت هذه الآية «الذين ينفقون أموالهم بالليل و النهار سرا و علانية»^١ في على.
٤٣. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ في قوله عزوجل «و تعيها أذن واعية»^٢ قال: دعوت الله أن يجعلها أذنك يا على.
٤٤. و ياسناده عن على عليه السلام قال: ما رأيت أحداً أبعد ما بين المنكبين من رسول الله.
٤٥. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: أول ما يسأل عنه العبد، حبنا أهل البيت.
٤٦. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي و لن يفترقا حتى يردا على الحوض.^٣
٤٧. و ياسناده عن على عليه السلام قال: كان النبي ﷺ يضحي بكبشين أملحين أقربين.
٤٨. و ياسناده عن على عليه السلام دعا لى النبي ﷺ أن يقيني الله عز و جل الحر و البرد.
٤٩. و ياسناده عن على عليه السلام قال: أنا عبد الله و أخو رسوله، لا يقولها بعدى إلا كذاب.
٥٠. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال لى النبي ﷺ: فيك مثل من عيسى، أحبه النصارى حتى كفروا، وأبغضه اليهود حتى كفروا في بغشه.
٥١. و ياسناده قال: قال النبي ﷺ: إن فاطمة أحصنت فرجها، فحرم الله ذريتها على النار.
٥٢. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: محبك محبى و مبغضك مبغضى.
٥٣. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: لا يحبّ علينا إلا مؤمن، و لا يبغضه إلا كافر.
٥٤. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: الناس من أشجار شتى، و أنا و أنت يا على من شجرة واحدة.
٥٥. و ياسناده عن على عليه السلام قال إن النبي ﷺ يتختّم في يمينه.
٥٦. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: تقتل عمara الفئة الباغية.
٥٧. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: من تولى غير مواليه، فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين.
٥٨. و ياسناده عن على عليه السلام قال: نهى النبي ﷺ عن وطء الحبالي حتى يضعن.

^١. بقره (٢) / ٢٧٤.^٢. الحاقة (٦٩) / ١٢.^٣. كمال الدين، ج ١، ص ٢٣٩، ح ٥٨ و في سنته «حدثني أبي».

٥٩. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: الأئمة من قريش.
٦٠. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: من كان آخر كلامه الصلاة على و على على دخل الجنة.
٦١. و ياسناده عن على عليه السلام قال: إنكم ستعرضون على البراءة مني، فلا تتبرعوا مني فإني على دين محمد ﷺ.
٦٢. و ياسناده عن على عليه السلام قال: لقد علم المستحفظون من أصحاب محمد أنَّ أهل صفين قد لعنهم الله على لسان نبيه، وقد خاب من افترى.
٦٣. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال لى النبي ﷺ: ما سلكت طريقةً ولا فجأةً إلَّا سلك الشيطان غير طريقك و فجلك.
٦٤. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: يقتل الحسين شرُّ الأمة و يتبرأ من ولده من يكفر بي.
٦٥. حدثنا محمد بن عمر الحافظ قال حدثنا الحسن بن عبد الله التميمي قال حدثني أبي قال حدثني سيدى على بن موسى الرضا عليه السلام عن أبيه موسى بن جعفر عن أبيه جعفر بن محمد عن أبيه محمد بن على عن أبيه على بن الحسين عن أبيه الحسين عن فاطمة بنت رسول الله ﷺ إن النبي عليه الصلاة والسلام قال لعلى عليه السلام: من كنت وليه، فعلى وليه و من كنت إمامه فعلى إمامه.
٦٦. و ياسناده عن على عليه السلام قال: دفع النبي ﷺ الراية يوم خير إلىٰ مما برحت حتى فتح الله على يدي.
٦٧. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله. فإذا قالوها فقد حرم على دمائهم وأموالهم.
٦٨. و ياسناده عن على عليه السلام قال ما شيع النبي ﷺ من خبز بُر ثلاثة أيام، حتى مضى لسيله.
٦٩. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: سلمان منا أهل البيت.
٧٠. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: أبوذر صديق هذه الأمة.
٧١. و بهذا الإسناد عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: من قتل حيًّا فقد قتل كافرا.
٧٢. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: يا على لا تُتبع النظرة، النظرة؛ فليس لك إلا أول نظرة.

٧٣. و ياسناده عن على عليه السلام قال: إن النبي ﷺ لما وجّهني إلى اليمن، قال: إذا تقوضي إليك، فلا تحكم لأحد الخصميين دون أن تسمع من الآخر. قال: فما شككت في قضاء بعد ذلك.
٧٤. و ياسناده عن على عليه السلام قال: لعن الله الذين يجادلون في دينه، أولئك ملعونون على لسان نبيه [عليه و آله السلام]
٧٥. و ياسناده عن على عليه السلام قال: «و السابعون السابقون»^١ في نزلت. و قال عليه السلام في قوله عز و جل «أولئك هم الوارثون الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون»^٢ في نزلت.
٧٦. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: من قرأية الكرسي مائة مرة، كان كمن عبد الله طول حياته.
٧٧. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: خيركم من أطاب الكلام و أطعم الطعام، و صلى بالليل و الناس نiam.
٧٨. و ياسناده عن على عليه السلام أنه ذكر الكوفة، فقال: يدفع عنها البلاء كما يدفع عن أخيبة النبي ﷺ.
٧٩. و ياسناده عن على عليه السلام قال: من كذب بشفاعة رسول الله، لم تنه.
٨٠. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: لا تذهب الدنيا حتى يقوم رجل من ولد الحسين، يملؤها عدلا كما ملئت ظلما و جورا.
٨١. و ياسناده عن على عليه السلام أنه شرب قائما و قال: هكذا رأيت النبي ﷺ فعل.
٨٢. و ياسناده عن على عليه السلام قال: العلم ضالة المؤمن.
٨٣. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: من غش المسلمين في مشورة، فقد برئت منه.
٨٤. و ياسناده عن على عليه السلام قال: نحن أهل البيت لا يقاس بنا أحد، فيينا نزل القرآن و فيينا معدن الرسالة.
٨٥. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: أنا مدينة العلم و على بابها.
٨٦. و ياسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: إن الله عز و جل اطلع على أهل الأرض اطلاعه فاختارني، ثم اطلع الثانية فاختارك بعدي، فجعلك القائم بأمر أمتي من بعدي، و ليس أحد بعدي مثلنا.

١. واقعة (٥٦).

٢. مؤمنون (٢٣) ١٠٠-١١٠.



٨٧. وبهذا الإسناد عن على عليه السلام في قول الله عز و جل «و له الجوار المنشآت في البحر كالأعلام»^١ قال: السفن.
٨٨. و بإسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: عمار على الحق حين يقتل بين الفترين إحدى الفترين، على سبلي و سنتي، و الأخرى مارقة من الدين خارجة عنه.
٨٩. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: سدوا الأبواب الشارعة في المسجد إلا باب على عليه السلام.
٩٠. و بإسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: إذا متْ ظهرت لك ضغائن في صدور قوم يتمالئون عليك و يمنعونك حرقك.
٩١. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: كفْ على كفِّ.
٩٢. و بإسناده عن الحسين بن على عليه السلام قال: ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله ﷺ إلا ببعضهم علياً و لدهم عليه السلام.
٩٣. و بإسناده عن الحسين بن على عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: الجنة تستأق إليك و إلى عمار و سلمان و أبي ذر و المقداد.
٩٤. و بإسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: إن أمتي ستغدر بك بعدي، و يتبع ذلك بريها و فاجرها.
٩٥. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: من سبَّ علياً فقد سبني و من سبني، فقد سبَ الله.
٩٦. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: أنت يا على في الجنة، و أنت ذو قربتها.
٩٧. و بإسناده عن الحسين بن على عليه السلام قال: خطبنا أمير المؤمنين عليه السلام فقال: سلوني عن القرآن، أخبركم عن آياته فيمن نزلت وain نزلت.
٩٨. و بإسناده عن على عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: إنني أحب لك ما أحب لنفسي، و أكره لك ما أكره لها.
٩٩. و بإسناده عن الحسين بن على عليه السلام قال: قال لي بريدة: أمرنا رسول الله ﷺ أن أسلم على أبيك يا ماما المؤمنين.
١٠٠. و بإسناده عن الحسين بن على عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ لعلي: بشر لشيعتك أني الشفيع لهم يوم القيمة يوم لا ينفع إلا شفاعتي.

١. الرحمن (٥٥) / ٢٤.
٢. الخصل، ج ١، ص ٣٠٣، ح ٨٠.

٦- دامنه منابع مورد جستجو

منابع مورد استفاده در این پژوهش که از طریق نرم افزار جامع احادیث مورد استفاده قرار گرفته است، عبارتند از:

١. ابن ابی جمهور احسانی، محمد بن علی، عوایل الکائی، ٤ج، قم، سیدالشهاداء، ١٤٠٥هـ.
٢. ابن بطریق، یحیی بن حسن حلی، العماد، ١ج، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٧هـ.
٣. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، التحصین، ١ج، قم، امام مهدی علیله، ١٤٠٦هـ.
٤. _____، عاده الداعی و نجاح الساعی، مصحح: موحدی قمی، احمد، بی جا، مکتب الاسلامی، ١٤٠٧هـ.
٥. احمد بن موسی بن طاووس، بناء المقالة الفاطمية، ١ج، قم، موسسه آل البيت، ١٤١١هـ.
٦. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمه، مصحح: مجتبی، فرجی، ٧ج، قم، دارالحدیث، ١٤٢٦هـ.
٧. اربیلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ٢ج، تبریز، مکتبه بنی هاشم، ١٣٨١هـ.
٨. استرابادی، سید شرف الدین حسینی، تأویل آیات الظاهره، ١ج، قم، جامعه المدرسین، ١٤٠٩هـ.
٩. اسکافی، محمد بن همام، التمجیح، ١ج، قم، مدرسه امام مهدی (عج)، ١٤٠٤هـ.
١٠. امام رضا علیله، صحیفه الرضا علیله، ١ج، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیله، ١٤٠٦هـ.
١١. _____، طب الرضا علیله، ١ج، قم، خیام، ١٤٠٢هـ.
١٢. _____، فقه الرضا علیله، ١ج، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیله، ١٤٠٦هـ.
١٣. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحسان، ١ج، قم، دارالکتب الاسلامیه، ١٣٧١هـ.
١٤. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، ١ج، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٤هـ.
١٥. حسکانی، عبدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، مصحح: محمدباقر محمودی، ٢ج، تهران، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ١٤١١هـ.
١٦. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ١ج، تهران، کتابخانه نینوی، بی تا.
١٧. سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، التحصین، ١ج، قم، موسسه دارالکتب، ١٤١٣هـ.
١٨. _____، فرج المهموم، قم، دارالذخائر، بی تا.
١٩. سید رضی، محمد بن حسین بن موسی، خصائص الائمه، ١ج، مجمع البحوث الاسلامیة، ١٤٠٦هـ.
٢٠. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ١ج، نجف، کتابخانه حیدریه، بی تا.
٢١. شیخ الطائفه، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، الاستبصار فيما اختلف من الاخبار، ٤ج، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ١٣٩٠هـ.



۲۲. _____، الغیبیه، قم موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱، ه.ق.
۲۳. _____، تهذیب الأحكام، ۱۰ ج، تهران، دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ه.ش.
۲۴. _____، مصباح المتہجد، ۱ ج، بیروت، موسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱، ه.ق.
۲۵. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۹ ج، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۹، ه.ق.
۲۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الاخبار، ۱ جلد، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳، ه.ق.
۲۷. _____، من لا يحضره الفقيه، ۴ ج، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳، ه.ق.
۲۸. _____، التوحید، ۱ ج، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸، ه.ق.
۲۹. _____، ثواب الأعمال، ۱ ج، قم شریف رضی، ۱۳۶۴، ه.ش.
۳۰. _____، علل الشرائع، قم، مکتبه الداواری، بی تا.
۳۱. _____، عيون اخبار الرضا (علیه السلام)، جهان، ۱۳۷۸، ه.ق.
۳۲. _____، فضائل الاشهر الشاهقة، قم، مکتبه الداواری، بی تا.
۳۳. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، التوحید، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۹۵، ه.ق.
۳۴. شیخ قطب الدین، سعید بن عبدالله بن حسین راوندی، الخرائج و الجرائح، قم، موسسه امام مهدی (ع)، ۱۴۰۹، ه.ق.
۳۵. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳، ه.ق.
۳۶. _____، الامالی، مصحح: علی اکبر غفاری، ۱ ج، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳، ه.ق.
۳۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل الراجح، مصحح: سید محمدباقر خرسان، ۲ ج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳، ه.ق.
۳۸. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامة، ۱ ج، قم، بعثت، ۱۴۱۳، ه.ق.
۳۹. عبدالله و حسین ابنا بسطام، طب الأئمة (علیهم السلام)، ۱ ج، قم، شریف رضی، ۱۴۱۱، ه.ق.
۴۰. علامه زین الدین، علی بن یونس ناطی بیاضی، الصراط المستقیم، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۴، ه.ق.
۴۱. علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ۱۱۰ ج، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴، ه.ق.
۴۲. علی بن هاشم بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ۲ ج، قم، موسسه دارالكتب، ۱۴۰۴، ه.ق.
۴۳. عماد الدین، محمد بن ابی قاسم طبری، بشارة المصطفی، ۱ ج، نجف اشرف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳، ه.ق.
۴۴. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲ ج، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰، ه.ق.
۴۵. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، مصحح: نعمه، عبدالله، ۲ ج، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰، ه.ق.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ ج، تهران، دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ه.ش.

سایر منابع

١. ابن ابی جمهور احسانی، محمد بن علی، *علوی الکاری*، ٤ج، قم، سیدالشهداء، ١٤٠٥هـ.
٢. ابن حجر هشتمی، احمد بن محمد، *الصواعق المحرقة*، بیروت، موسسه الرساله، ١٤١٧هـ.
٣. ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة*، بیروت، دارالا ضوء، ١٤٠٩هـ.
٤. استرآبادی، محمد جعفر شریعتمدار، *لب الباب*، قم، دارالحدیث، ١٣٧٨هـ.
٥. تستری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، تحقیق: موسسه نشر اسلامی، قم، ١٤١٠هـ.
٦. تهرانی، ملاعلی کنی، *توضیح المقال*، قم، دارالحدیث، ١٣٨٠هـ.
٧. جدیدی نژاد، *معجم مصطلحات الرجال و الدرایة*، قم، دارالحدیث، ١٣٨٠هـ.
٨. حارشی، حسن بن عبدالصمد، *وصول الانیار الی اصول الاخبار*، تحقیق: عبدالطیف کوهکمری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ١٤٠١هـ.
٩. حسینی، محمد بن محمد باقر، *الرواشح السماویة*، قم، موسسه ولی عصر، ١٤١٩هـ.
١٠. خوئی، ابوالقاسم بن سید علی اکبر موسوی، *معجم رجال الحدیث*، ٢٣ج، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ١٤١٠هـ.
١١. خنجی، ابن روزبهان، *وسیلة الخادم الی المختوم*، قم، انصاریان، ١٣٧٥هـ.
١٢. سمهودی، علی بن عبدالله، *جواهر العقائد فی فضل الشرفین*، بغداد، وزارت الاوقاف، ١٤٠٧هـ.
١٣. شهید ثانی، زین الدین علی بن احمد، *الرعایة فی علم الدرایة*، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، کتابخانه ایة الله مرعشی، ١٤١٣هـ.
١٤. طریحی، فخر الدین، *جامع المقال*، تحقیق: محمد کاظم طریحی، تهران، چاپخانه حیدریة، بی تا.
١٥. عاملی کاظمی، سید حسن صدر، *نهاية الدرایة*، تحقیق: ماجد غرباوی، نشر مشعر، بی تا.
١٦. عادة الرجال
١٧. فصلنامه کلام اسلامی، ش ٨٥، موسسه تعلیماتی - تحقیقاتی امام صادق (ع)، ١٣٩٢هـ.
١٨. ماقنی، عبدالله ، *تنقیح المقال*، نجف اشرف، چاپخانه المرتضویة، بی تا.

۱۹. _____، مقباس الهمایه، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ه.ق.
۲۰. وحید بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، فوایل الورحیا، تحقیق: سید محمد صادق بحرالعلوم، قم، مکتب اعلام اسلامی، ۱۴۰۴ه.ق.